

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :

An Investigation into the Role of Ritual Landscapes in the Identity of Iranian Cities.

در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

بازخوانی نقش مناظر آیینی در هویت بخشی به شهرهای ایرانی

حمیده ابرقویی فرد*^۱، پریچهر صابونچی^۳، احمدعلی فرزین^۱

۱. پژوهشگر دکتری معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

۲. پژوهشگر دکتری معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

۳. دکتری معماری، استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۳۰ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۷/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱

چکیده

بیان مسأله: از دیرباز فضاهای آیینی نقش مهمی در شکل دهی به منظر شهرها و پایه‌های اعتقادی و فرهنگی جوامع بشری ایفا می‌کرده‌اند. به گونه‌ای که برخی از تاریخ‌دانان یکی از علل اصلی تشکیل شهر را معطوف به عملکرد آیینی و معنوی آن می‌دانند. فضاهای آیینی به واسطه تجربه مشارکت و هم‌حسی فضایی یکی از قوی‌ترین تجربه‌های فضای جمعی هستند که در فرهنگ ما ایرانیان با داشتن مناسبات نزدیک با عوامل طبیعی چون آب و درخت و بهره‌مندی از ماهیت جمعی و آیینی، کیفیت مثبت محیطی را برای تقویت تعاملات و روابط اجتماعی فراهم کرده و به تبع آن امکان شکل‌گیری ذهنیت واحد ساکنان از شهرشان را ایجاد کرده‌اند. با آغاز دوران اسلامی مناظر آیینی به شیوه‌ای خاص در منظر شهرهای ایرانی تداوم یافته و زمینه‌ساز شکل‌گیری تحولاتی در کالبد شهرها، حیات اجتماعی‌شان، ادراکات شهروندان از آنها و به طور کلی هویت شهر ایرانی شدند. هدف اصلی در پژوهش حاضر واکاوی چرایی و چگونگی تأثیر مناظر آیینی بر هویت شهرهای ایرانی، به واسطه ادغام محتوای شکلی (طبیعی) و ذهنی (اجتماعی) مشترک آنها است.

روش تحقیق: ابتدا به منظور تبیین چرایی و علت اثرگذاری مناظر آیینی، الگوی شکلی و معنایی مشترک طبیعت‌گرایانه و اجتماعی این مناظر مورد مطالعه قرار گرفته و اثرگذاری آنها بر هویت شهرها به صورت نقاط عطف اجتماعی و معنایی بررسی شد. سپس برای مشخص ساختن نحوه و چگونگی این تأثیرگذاری، مطابق با مفهوم سازمان فضایی شهر که مفهومی ذهنی و مبتنی بر ارتباطات دو جزء اصلی مرکزیت و کل‌های کوچک (محلات) است، حوزه اثرگذاری این مناظر بر هویت شهر در سه سطح مرکزیت شهر در شهرهای آیینی (کلان)، شبکه‌ای از مراکز محلات آیینی در سطح شهر (میانی) و مرکز محلات آیینی مستقل (خرد) مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه‌گیری: در بسیاری از شهرهای ایرانی، الگوی شکلی مشابه مناظر آیینی، سبب توسعه شهر و محلات آن در اطراف آنها شده و سپس با دارا بودن مشخصه‌ها و آثار ذهنی مشترک ناشی از ماهیت آیینی، اجتماعی و معنایی‌شان نقش برجسته‌ای را در زمینه ادراک منظر توسط ساکنین در محلات و شهرها بر عهده گرفته‌اند و به بخشی از وجه ممیزه شکلی و ذهنی شهر تبدیل شده‌اند.

واژگان کلیدی: منظر آیینی، هویت، آیین، شهر ایرانی، شهر اسلامی، طبیعت‌گرایی.

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۶۹۹۸۲۲۳ hamide.abarghouyi@gmail.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد معماری منظر «حمیده ابرقویی فرد» با عنوان «باززنده‌سازی آرامستان‌های متروکه شهر تهران با رویکرد پایداری اجتماعی: نمونه موردی آرامستان امامزاده پنج تن لویزان» است که به راهنمایی دکتر «احمدعلی فرزین» و مشاوره «دکتر سید امیر منصوری» در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۴ انجام شده است.

مقدمه

کالبد شهرها، عملکردها و کاربری‌های متنوع‌شان نمودی از ساختارهای ذهنی ساکنین آنها به شمار می‌آیند. با بازخوانی نمودهای کالبدی مشترک شهرها می‌توان به ساختارهای اعتقادی ساکنان آنها و تأثیر متعامل و مشترک‌شان بر منظر شهرها پی برد. هویت شهر که همان ادراک مشترک ساکنین از آن است از ادغام محتوای کالبدی و ذهنی شهر در ذهن شهروندان شکل می‌گیرد. هرچه میزان نمود جهان‌بینی ساکنان در شکل‌گیری کالبد شهر پررنگ‌تر باشد، کیفیات کالبدی اثرگذار بر ادراک ساکنان شهر و کاربران آن فضا نیز بیشتر خواهد شد و هویت‌مداری شهر نیز به تبع آن افزایش خواهد یافت.

در میان عوامل متعددی که در طول زمان بر منظر شهر ایرانی تأثیر گذاشته‌اند، تفکرات مذهبی در قالب مناظر آیینی، نقشی مهمی را ایفا کرده‌اند. آیین‌ها شیوه عینیت‌بخشیدن به اساطیر مورد اعتقاد جوامع بشری هستند که می‌توانند با بیان تفکرات اساسی مشترک انسان‌ها درباره زندگی، دستورالعملی برای تداوم مفهوم حیات اجتماعی در شهرها باشند. مناظر آیینی شیوه تبلور یافتن تأثیر آیین‌ها بر زندگی انسان‌ها و کالبد شهرها است که در فرهنگ ایرانیان بر پایه باورهای طبیعت‌گرا، مناسبات نزدیکی با عناصر طبیعی دارند و نوع خاصی از مناظر آیینی را با نتایج اجتماعی و هویتی شکل داده‌اند.

جاذبه موجودیت کالبدی مفاهیم ذهنی آیین‌ها در قالب مناظر آیینی تا بدان جا پیش می‌رود که تاریخ‌نگارانی چون «مامفورد» یکی از علل اصلی شکل‌گیری شهرها را در ارتباط با مسائل معنوی و آیینی می‌دانند. بنابراین آنچه موجودیت کالبدی شهر را به ثبات رسانده، گردهم آمدن انسان‌ها با عقاید مشترک و توافق آن‌ها در برگزاری رویدادهای آیینی در این بستر مشترک بوده است.

با تداوم ارتباط تنگاتنگ مناظر آیینی با طبیعت در شهرهای ایرانی، کالبد مشترک این مناظر در دوره اسلامی حفظ و با قرارگیری آنها در متن شهر و محلات نقش هویتی‌شان دوچندان شد. مناظر آیینی در دوره اسلامی به عنوان مرکز ثقل حیات دینی و مولد رفتارهای اجتماعی در حوزه‌ها و سطوح مختلف بر منظر شهر ایرانی تأثیر گذاشتند، الگوی مشترک مبتنی بر ارتباط نزدیک با عوامل طبیعی نیز به موفقیت بیشتر این فضاها به عنوان فضاهای جمعی کمک کرده و در نتیجه بخش مهمی از ادراک شهروندان از منظر شهرهای ایرانی را به خود اختصاص دادند. در این نوشتار سعی بر آن است تا با تکیه بر پیشینه تأثیرگذاری مناظر آیینی و بررسی مشخصه‌های شکلی مشترک آنها نظیر ویژگی‌های طبیعی بستر شکل‌گیری و هم‌چنین کیفیات فضایی و آثار اجتماعی منتج از آنها به شرح چگونگی تأثیرگذاری این مناظر بر هویت شهرهای ایرانی پرداخته شود.

فرضیه

با آغاز دوره اسلامی الگوی شکلی مشترک و طبیعت‌گرای مناظر آیینی، متأثر از اندیشه‌های اجتماعی اسلام و مردمی‌شدن این فضاها تکامل یافته و به واسطه افزایش حس تعلق اجتماعی و رفتارهای جمعی، شکل‌گیری ذهنیت مشترکی از شهر و محلات آن را در ذهن شهروندان و تحول هویتی شهرهای ایرانی را در سطوح مختلف به دنبال داشته است.

شیوه پژوهش، پیشینه تحقیق، پرسش‌های اصلی تحقیق

روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی است. برای تبیین مفهوم منظر آیینی، تاریخچه و عناصر شکلی و تأثیرات ذهنی مشترک مؤثر بر هویت شهرهای ایرانی از شیوه کتابخانه‌ای و برای تطبیق آن با نمونه‌های موردی از مطالعات میدانی و تاریخی استفاده شده است. تاکنون در سایر پژوهش‌های مربوط به مناظر آیینی به جنبه‌های مختلف شکلی و ذهنی شامل طبیعت‌گرایی و اجتماعی این مناظر پرداخته شده است. «شهره جوادی» در مقالات خود (بازخوانی روایت باستانی «آب و درخت» در دوران اسلامی ایران- اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه)) بر تداوم نقش عناصر طبیعی به عنوان یکی از وجوه مشخصه مناظر آیینی در فرهنگ ایرانی اشاره داشته است که علی‌رغم دگردیسی در دوره پس از اسلام و تغییر نقش از عناصر اصلی به عناصر واسطه همواره به عنوان الگوی شکلی ثابت مطرح بوده و تنها به لحاظ محتوایی دگرگون شده‌اند. بر همین اساس در سایر مقالات به منظر آیینی به عنوان مفصلی میان زندگی شهری و طبیعت در قالب تفرج و زیارت درون‌شهری و برون‌شهری و قرارگاه‌های رفتاری پرداخته شده است. «احمدعلی فرزین» نیز در مقاله‌های خود بر نقش روایت‌گر، خاطره‌ساز و معنایی مناظر آیینی در ایجاد کانون‌های اجتماعی و مذهبی در منظر شهر تأکید دارد و معتقد به دوچندان شدن تأثیرات اجتماعی در دوران اسلامی است.

پژوهش پیش‌رو با تأکید بر طبیعت‌گرایی متداوم در همه دوره‌ها به عنوان الگوی شکلی ثابت و نقش اجتماعی و مردمی مناظر آیینی در دوره اسلامی به عنوان نتیجه ذهنی مشترک، به چگونگی و چرایی تأثیرات هویتی این مناظر در شهرهای ایرانی می‌پردازد. - منظر آیینی چگونه و به چه شیوه‌هایی در طول زمان، موجب شکل‌گیری بخشی از هویت شهرهای ایرانی شده است؟ - خصوصیات مشترک شکلی و آثار ذهنی حاصل از مناظر آیینی پس از اسلام در شهرهای ایرانی چیست؟ - تأثیر مناظر آیینی-اسلامی در سطوح مختلف بر هویت شهر ایرانی چگونه است؟

منظر آیینی و پیشینه آن در شهرهای ایرانی

در دوران پیش از اسلام مراکز آیینی به صورت فضاها یا مجزا در

طول زمان مطرح هستند که نمود کالبدی حاصل از فعالیت‌های انسان در جهت حفظ آنها مناظر آیینی را شکل داده است. اهمیت این مناظر از این رو قابل توجه است که به دلیل پیوند با گذشته آیینی و اعتقادی انسان‌ها زمینه حفظ و تداوم هویت جوامع را به عنوان مفهومی منتشر در زمان فراهم می‌کنند.

شکل‌گیری مفهوم هویت در محیط‌های انسانی از نظر «رلف» حاصل برهم‌نهی ویژگی‌های کالبدی، کارکردها و فعالیت‌ها و معانی و مفاهیم قابل درک آنها است (دانشپور، ۱۳۸۳). بخشی از ماهیت چندگانه هویت شهر حاصل ادغام و تأثیر متقابل محتوای شکلی و محتوای ذهنی یکسان فضاهای مشابه است. این فضاها از طریق عملکرد و تأثیرات متشابه‌شان بر ساختار عینی-ذهنی شهر، موجودیت یکپارچه و هویت شهر را تقویت خواهند کرد و برجسته‌شدن ویژگی‌های مشترک اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی جامعه را به دنبال خواهند داشت. مناظر آیینی با دارا بودن شاخصه‌های مذکور سبب ایجاد هویتی قوی در شهرها می‌شوند. مناظر آیینی از آغاز اسلام در ایران به صورت بخشی لاینفک از منظر شهر ایرانی درآمده‌اند که داشتن ارتباط نزدیک با طبیعت، وجه ممیزه و عامل بازشناسی آنها محسوب می‌شود. این مناظر با تداوم محتوای شکلی مرتبط با فرهنگ طبیعت‌گرایانه ایرانی و ادغام آن با عملکردهای آیینی مبتنی بر روح جمعی اسلام به صورت شبکه‌ای یکپارچه از نقاط عطف عمومی مطرح شده و ذهنیات مشترکی از ابعاد مختلف منظر شهر را در ذهن ساکنان شکل دادند. زیرا به دلیل اهمیت مشخصه‌های معنایی ناشی از امر قدسی در کنار ابعاد کالبدی و عملکردی، بخشی از هویت شهرهای ایرانی در ارتباط با مشخصه‌های مذهبی و کیفیات فضایی حاصل از آن در ظرف مناظر آیینی تعریف می‌شود، که از یک سو متأثر از الگوی شکلی مشابه بوده و از سوی دیگر بر ادراک ذهنی شهروندان از شهر اثر می‌گذارند.

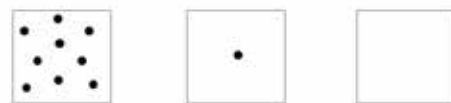
الگوی مشابه شکلی

با توجه به نقش اراده ساکنین در پدید آمدن منظر شهری و تأثیر این اراده در شکل شهر، هویت منظر شهر وابسته به کالبد است (آتشین‌یار، ۱۳۸۸). اثر کالبدی مناظر آیینی در شهر ایرانی از دریچه محتوای شکلی مشترک یعنی ارتباط مکان مقدس با عناصر طبیعی دیده می‌شود. احترام به عناصر طبیعی و تقدیس و تکریم آنان در بین اقوام و ملل گوناگون در سراسر جهان دیده شده و پیشینه‌ای بسیار کهن دارد. در فرهنگ طبیعت‌باور ایرانیان تا پیش از اسلام این عناصر به عنوان نمادی از تقدس و احترام به طبیعت در مجاورت چارتاقی‌ها و آتشکده‌ها وجود داشته که مردم در اطراف آنها به انجام مراسم آیینی می‌پرداختند (جوادی، ۱۳۹۲). الگوی شکلی مشترک مناظر آیینی در دوره اسلامی، در قالب ارتباط با عناصر طبیعی تداوم یافته و با تعدد یافتن این مناظر و شکل‌گیری ماهیت اجتماعی آنها، در قالب عرصه‌های جمعی،

متن شهرها و در مواردی خارج از آنها به صورت آتشکده، مهرابه‌ها و چارتاقی‌ها حضور داشتند، در شهر-معبد‌های هخامنشی مراکز آیینی از فضایی مستقر در مرکز شهر فراتر رفته و هویت شهر را در سایه ابعاد آیین خود قرار می‌دادند که نظیر آنها را در شهرهایی مانند تخت جمشید و چغازنبیل می‌توان دید. ویژگی مشترک مناظر آیینی در دوران نام‌برده این است که با گذشت زمان، به عنوان فضاهایی تشریفاتی و متعلق به قشری خاص در منظر شهر ایرانی نقش یافتند این مسئله در دوره ساسانی، با قرارگیری آتشکده در مرکز شهر و شکل‌گیری شار براساس سلسله‌مراتب طبقاتی نظام کاستی به اوج خود می‌رسد (فکوهی، ۱۳۸۳). اما با آغاز دوره اسلامی و فروریختن شار ساسانی، مراکز آیینی در قالب مساجد و زیارتگاه‌ها به شکل لاینفک به متن شهر ضمیمه می‌شوند و در عین تعلق به همه طبقات مختلف جامعه نقشی سیاسی و اجتماعی می‌یابند. به گونه‌ای که در ابتدای فتح و ساخت هر شهر، ساخت مساجد یا تغییر عملکرد و کاربری سایر مراکز آیینی، اولین عملی است که انجام می‌شود. شهر ایرانی حاصل اندیشه و سنت ایرانی است که فضاهای آن علاوه بر عملکرد در پیوند با امر قدسی تعریف می‌شود و در دانه‌بندی پلورالیستی آن نقاط عطف، متعلق به عموم مردم است (منصوری، ۱۳۸۹). به دنبال سفر تاریخی امام رضا (ع) به ایران و سایر امامزادگان شاهد شکل‌گیری زیارتگاه‌ها و نقش‌های دیگر فضاهای آیینی هستیم از جمله محلات و شهرهایی که با تأثیر پذیرفتن از ماهیت جمعی، طبیعی و آیینی آرامگاه‌ها شکل گرفته و با مایه گرفتن از محتوای آشنای شکلی و ذهنی، در شکل دادن به ادراک مشترک ساکنین از شهر و هویت آن نقشی اساسی داشته‌اند (تصویر ۱).

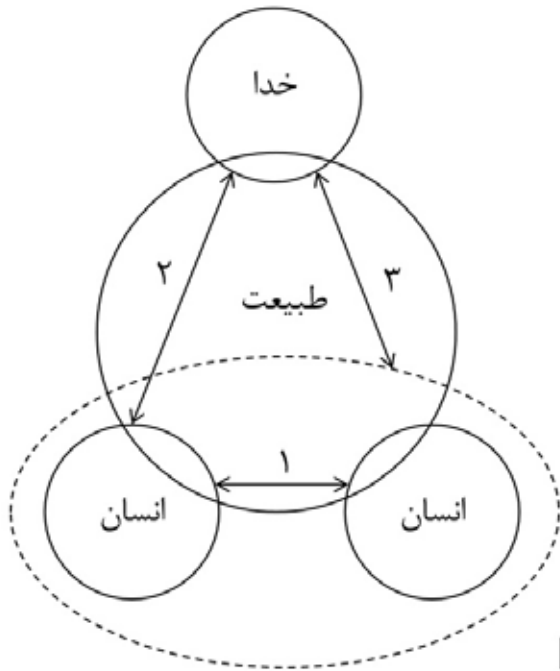
درآمدی بر منظر آیینی

منظر به عنوان محصول تعامل انسان با محیط پیرامونی‌اش همواره در نتیجه بهره‌گیری خودآگاه یا ناخودآگاه انسان از ابزارها و واسطه‌هایی در راستای اصالت بخشی به محیط شکل گرفته است. این ابزارها بسته به نیازهای مختلف روحی، ذهنی، مادی و ... بشر انواع مختلفی از مناظر را شکل داده‌اند. آیین، زیرمجموعه فرهنگ است و منظری که می‌سازد، در عین آن که فرهنگی است، به واسطه اهمیت نمادهای آیینی در آن، منظر آیینی خوانده می‌شود (منصوری، ۱۳۹۲). آیین‌ها به عنوان ابزار انتقال باورهای انسان در



تصویر ۱. تعدد یافتن و منظم شدن مناظر آیینی به متن شهر ایرانی و حیات اجتماعی آن در دوران پس از اسلام، مأخذ: نگارندگان.

دارد. نقش نشانه‌های مناظر آیینی-اسلامی در شهر ایرانی به دلیل مشابهت شکلی بستر کالبدی و طبیعی دارای وجهی عینی و در مرحله‌ای بالاتر به دلیل وقوع رویدادهای جمعی و تعاملی مشابه دارای ارزش ذهنی و ادراکی است. متعددبودن این مناظر در سطح برخی از شهرهای ایرانی، سبب شکل‌گیری شبکه‌ای از نشانه‌های مشابه و آشنا در قالب الگوهایی متشابه و تکرارشونده شده است



تصویر ۲. مدل شکل‌گیری روابط به واسطه منظر آیینی دوره اسلامی در بستر طبیعت: ۱- روابط تعاملی میان انسان‌ها (تفرج) ۲- رابطه معنوی هر فرد با خدا (زیارت) ۳- رابطه جمعی میان افراد با خدا (زیارت-تفرج).

که در صورت توجه کافی به نقش آنها در کلیت شهر، امکان درک یک‌پارچه از منظر شهر را فراهم می‌آورد. همچنین در مواردی، حضور این مناظر آیینی در یک شهر یا یک محله قادر است سایر وجوه و ویژگی‌های هویتی را در سایه خود قرار داده و به نقطه عطفی در ادراک ساکنان شهر یا محله از آن ناحیه تبدیل شود.

بررسی تأثیر مناظر آیینی بر هویت شهر در سطوح مختلف

با توجه به تأثیرات کالبدی، اجتماعی و معنایی مناظر آیینی بر هویت شهرهای ایرانی و نقش نشانه‌ای آنها در ادراک ساکنان از شهرشان می‌توان آنها را در شمار عناصر مؤثر بر سازمان فضایی شهر ایرانی به‌شمار آورد. این عناصر در دوره اسلامی در دو دسته اصلی هسته یا مرکزیت و کل‌های کوچک‌تر به مرکزیت فضاهای نیمه‌مستقلی چون محلات قابل بررسی هستند (منصوری، ۱۳۸۶). بر این اساس و با توجه به حوزه نفوذ متفاوت این مناظر در مقیاس‌های مختلف نمونه‌های موردی انتخاب شده برای تحلیل مبانی نظری ذکر شده، در سه سطح کلان، میانی و خرد مورد بررسی قرار گرفته است:

تفرجی و آیینی توسعه می‌یابد. پیوند این الگوی کالبدی مشابه به متن شهر ایرانی و تداوم آن در حافظه تاریخی شهروندان، امکان شکل‌گیری محتوای ذهنی یکپارچه‌ای از شهر و حیات اجتماعی آن را در ذهن ساکنان شهر ایرانی فراهم می‌آورد.

هویت اجتماعی منتج از مناظر آیینی

بخشی از هویت هر شهر در رابطه با هویت اجتماعی ساکنان آن تعریف می‌شود که نتیجه تلاش جمعی از افراد در راستای تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی‌شان است. بالاترین درجه تعلق خاطر، حاصل پیوندهای روان‌شناختی فرد با مکان به لحاظ وقوع رویدادهای اجتماعی است که آنها را با شیوه زندگی و تفکرات خود مرتبط می‌داند و تعلق اجتماعی به مکان نامیده می‌شود. از نظر رلف آیین‌ها از عوامل مهم ایجاد حس تعلق و ماندگاری در مکان هستند (پیربابایی و سجادزاده، ۱۳۹۰). تداوم هم‌نشینی مکان مقدس و عناصر طبیعی مورد احترام در فرهنگ ایرانی چون آب و درخت در دوره اسلامی، کیفیت مکانی مورد نیاز برای اجتماع‌پذیری را فراهم آورده و در ادغام با کیفیت ذهنی و تعلق خاطر اجتماعی ناشی از اعتقادات جمع‌گرایانه اسلامی، زمینه‌ساز بروز وقایع اجتماعی می‌شوند. از جمله اثرات این مناظر آیینی دوره اسلامی بر هویت اجتماعی شهرهای ایرانی سنت تفرج-زیارت است که با پیشینه طولانی خود در فرهنگ ایرانی، در شکل‌گیری و جهت‌دهی به زندگی مادی و معنوی شهروندان به طور موازی تأثیرگذار بوده است. در کنار این مسئله که زیارت به‌عنوان امری فردی و مذهبی، فرهنگی جداگانه و رفتارهای مختص به خود را در سطح شهر طلب می‌کند. اما آنچه مناظر آیینی اسلامی را منحصر به فرد می‌سازد، تعلق خاطر همه‌گروه‌های اجتماعی فارغ از تفاوت‌های فردی، اجتماعی، طبقاتی و ... در سایه نگرش تکثرگرایانه اسلام است. بنابراین حس تعلق اجتماعی حاصل از حضور در مناظر آیینی-اسلامی تنها موضوعی انتزاعی نیست بلکه تجربه جمعی ناشی از حضور در فضایی معنوی است. بروز این امر در قالب الگویی مشابه و طبیعت‌گرا، رابطه‌ای دوسویه میان افراد با یکدیگر، مکان مقدس و خدا به شیوه جمعی را تحقق می‌بخشد (تصویر ۲).

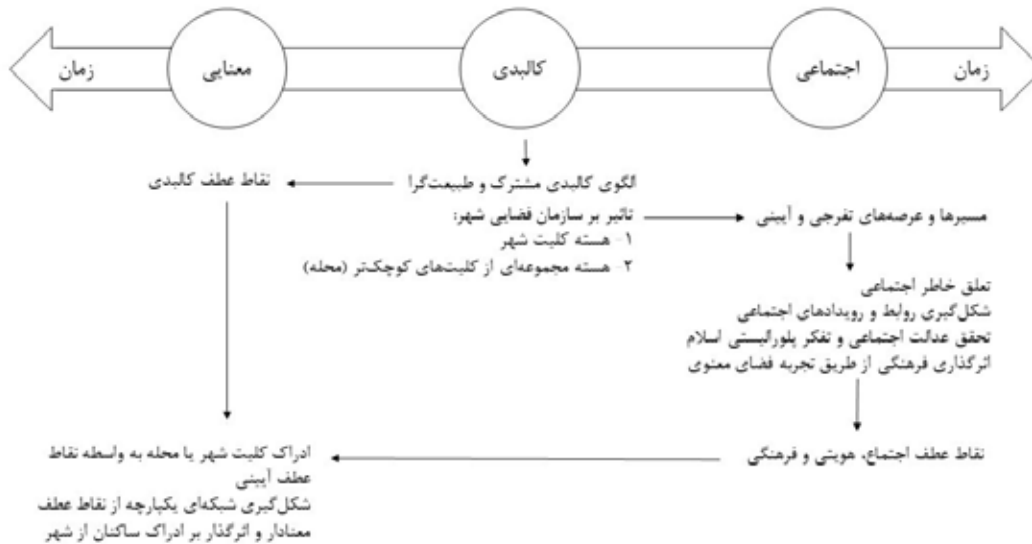
نقش معنایی مناظر آیینی اسلامی

شکل شهر، به مثابه متنی سرشار از نشانه‌های عینی و ذهنی است که مشخصه افراد آن شهر به لحاظ فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی و مذهبی محسوب می‌شوند این نمادها چون بر مبنای اصول فکری افراد آن جامعه شکل گرفته‌اند، قادر به برقراری گفت‌وگوی دوطرفه با اعضای همان جامعه است و می‌توانند شهر را برای آنان به فضایی آشنا تبدیل کنند (سلطانی، ۱۳۸۸). با معنا بودن فضای یک شهر وابسته به میزان وضوح ادراک افراد از آن بوده و ارتباطی مستقیم با خاطرات، وقایع و رویدادهای تاریخی و جمعی

• سطح کلان

اسلام در قرن چهارم قابل پیگیری است. در شهرهایی نظیر مشهد، قم، آستانه اشرفیه و شهرضا تأثیر وجه آیینی بر شکل گیری هویت شهر تا به حدی است که شهر با آن شناخته می شود، در منظر برخی از این شهرها سیطره جنبه آیینی از ابعاد ذهنی هویت

میزان اثرگذاری مناظر آیینی- اسلامی در توسعه شهرهای ایرانی تا به حدی است که در مواردی شاهد شکل گیری شهرهای زیارتی هستیم که ردپای تاریخی آنها با عنوان شهر-ایمانها از زمان ورود



تصویر ۳. وجوه مختلف اثرگذاری مناظر آیینی بر هویت شهر ایرانی، مأخذ: نگارندگان.

ذهنی جمعی از مرکز تاریخی شهر (حرم و نواحی اطراف آن) شروع شده و به سمت بیرون گسترش می یابد (کلاتری خلیل آباد و همکاران، ۱۳۹۳).

• سطح میانی

سطح دیگر اثرگذاری مناظر آیینی- اسلامی در شهرهای ایرانی مرتبط با کل های کوچک و نیمه مستقلی است که با الگویی مشابه و تکرار شونده کلیت شهر را پدید آورده و شبکه ای از عناصر معنایی و نقاط عطف کالبدی و اجتماعی را شکل می دهند. حوزه تأثیر این دسته از مناظر آیینی کل شهر است که امکان ادراک یک پارچه از منظر شهر و سازمان فضایی آن را در قالب شبکه ای از نقاط عطف فراهم می آورد. از نمونه این شهرها می توان به باغ شهر نطنز و نراق اشاره داشت که مراکز محلات در قالب نقاط عطف آیینی متشکل از عناصر سه گانه آب، درخت و مکان مقدس به صورت الگوی شکلی و ذهنی مشابهی در سطح شهر تکرار می شود (تصویر ۴).

• سطح خرد

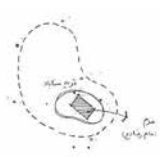
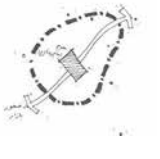
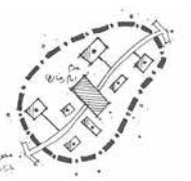
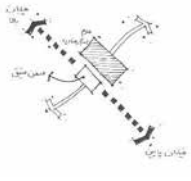
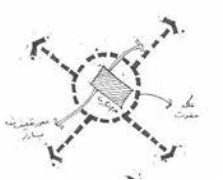
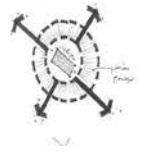
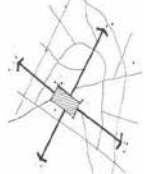
سطح سوم اثرگذاری مناظر آیینی بر هویت شهر ایرانی، محدود به یک محله است که با تأثیرگذاری بر ثبات فرهنگی، حس تعلق اجتماعی و اثرگذاری کالبدی نظیر شکل گیری عملکردها، شریان های اصلی، مسیرهای آیینی و عرصه های تفرجی ادراک

شهر فراتر رفته و با قرارگیری بقعه در مرکزیت کالبدی شهر و آرایش یافتن سایر فضاها در اطراف آن باز تولید می شود. چگونگی این تأثیر بر سازمان فضایی شهری همچون مشهد قابل بررسی است.

سناباد پس از خاک سپاری پیکر مطهر امام رضا علیه السلام در ۲۰۳ ق، به تدریج توسعه یافته و ابتدا به صورت شهرکی مذهبی با نام مشهدالرضا و مشهدطوس و سپس شهری بزرگ با نام مشهد مبدل شده تا آنجا که نام سناباد و نوغان و حتی توس را تحت الشعاع قرار داده است (قصابیان، ۱۳۷۷). در ابتدای شکل گیری منظر آیینی حرم امام رضا (ع)، ارتباط مکان مقدس با عناصر طبیعی در قالب باغات و قنات روستا که مظهری از آن در جوار حرم وجود داشته است، ایجاد می شود. این محتوای شکلی در ترکیب با ماهیت مقدس و جمعی فضا، پیدایش هسته اصلی شهر کنونی مشهد را در قالب نقطه عطفی کالبدی و اجتماعی به همراه داشته است. به گونه ای که در دوره های بعدی شکل گیری وجوه مختلف کالبدی و اجتماعی شهر با مرکزیت فضای حرم صورت می گیرد (جدول ۱).

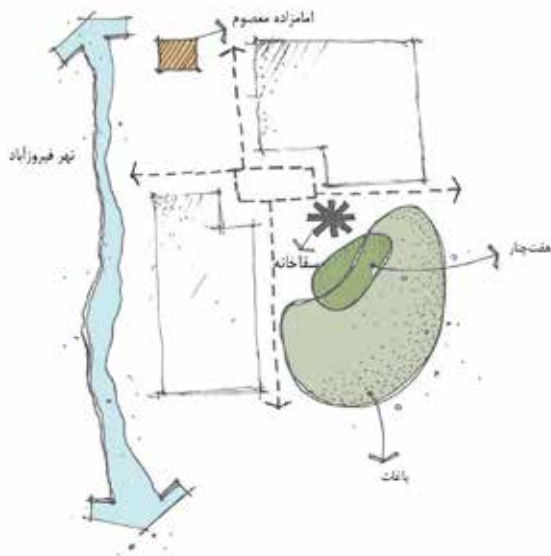
یافته های پژوهشی درباره بُعد هویتی شکل گرفته از شهر مشهد نشان می دهد که ساختار ذهنی شهروندان از نواحی مرکزی شهر اصلی عبور می کند. به این معنی که مسیرهای اصلی در تصویر

جدول ۱. شرح آثار کالبدی، اجتماعی و معنایی منظر آیینی حرم امام رضا(ع) به عنوان مرکز شهر مشهد، مأخذ: نگارندگان.

دوره تاریخی	شرح تغییرات کالبدی	آثار و نتایج	طرحواره
۲۰۳ هجری	اهمیت یافتن سناباد نوغان پس از مدفون شدن حضرت رضا (ع) (اعتمادالسلطنه، ۱۶۳۲) و تغییر نام قریه سناباد متاثر از نام قریه سناباد به مشهدالرضا (اصطخری، ۱۳۸۵): منظر آیینی (۲۰۵). مجاورت بقعه با عناصر طبیعی درختان و مقبره حضرت چشمه آب (ابن بطوطه، ۱۳۶۱) رضا (ع)	تغییر نام قریه حضرت رضا (ع) (اعتمادالسلطنه، ۱۶۳۲) و تغییر سناباد متاثر از نام قریه سناباد به مشهدالرضا (اصطخری، ۱۳۸۵): منظر آیینی (۲۰۵). مجاورت بقعه با عناصر طبیعی درختان و مقبره حضرت چشمه آب (ابن بطوطه، ۱۳۶۱) رضا (ع)	
سلجوقی	احداث بازار و بارو در اطراف حرم (رضوانی، ۱۳۸۴): مجاورت بازار به عنوان نهادی اقتصادی-اجتماعی و شریان اصلی شهر با حرم	احداث بازار و بارو در اطراف حرم (رضوانی، ۱۳۸۴): مجاورت بازار به عنوان نهادی اقتصادی-اجتماعی و شریان اصلی شهر با حرم	
تیموری	احداث مسجد جامع گوهرشاد و بنای حکومتی ارگ چهارباغ در کنار بازار و بارو (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۴) مدارس به عنوان نهادهای اصلی شهر با توجه به موقعیت مکانی حرم	احداث مسجد جامع گوهرشاد و بنای حکومتی ارگ چهارباغ در کنار بازار و بارو (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۴) مدارس به عنوان نهادهای اصلی شهر با توجه به موقعیت مکانی حرم	
صفوی	احداث خیابان های اطراف حرم در راستای مکتب اصفهان به عنوان استخوانبندی جدید (بالاخیابان و پایین خیابان) گسترش صحن عتیق به عنوان مرکز ثقل شهری (نجیب، ۱۳۹۴). عنوان عرصه آیینی-اجتماعی	احداث خیابان های اطراف حرم در راستای مکتب اصفهان به عنوان استخوانبندی جدید (بالاخیابان و پایین خیابان) گسترش صحن عتیق به عنوان مرکز ثقل شهری (نجیب، ۱۳۹۴). عنوان عرصه آیینی-اجتماعی	
پهلوی اول	احداث فلکه حضرت و خیابان های صلیبی (طبرسی، تهران، پهلوی و شاه رضا) و تمرکز کاربری های تجاری، اقتصادی و توسعه محوطه حرم (متولی و حقیقی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۵۹) جدید تقویت ابعاد اجتماعی از طریق رونق اقتصادی	احداث فلکه حضرت و خیابان های صلیبی (طبرسی، تهران، پهلوی و شاه رضا) و تمرکز کاربری های تجاری، اقتصادی و توسعه محوطه حرم (متولی و حقیقی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۵۹) جدید تقویت ابعاد اجتماعی از طریق رونق اقتصادی	
دوم	طرح توسعه حرم مطهر (طرح فلکه حضرت)- تأکید بر نقش تخریب کلیه بافت اطراف و قرار گرفتن بنای حرم در میان حلقه ای سبز (رضوانی، ۱۳۸۴: ۲۷۰) تقویت سنت تفرج-زیارت	طرح توسعه حرم مطهر (طرح فلکه حضرت)- تأکید بر نقش تخریب کلیه بافت اطراف و قرار گرفتن بنای حرم در میان حلقه ای سبز (رضوانی، ۱۳۸۴: ۲۷۰) تقویت سنت تفرج-زیارت	
معاصر	طرح توسعه حریم حرم مطهر و طرح نوسازی و بازسازی بافت پیرامون حرم	هویت یافتن شهر مشهد به عنوان پایتخت جهان اسلام	



تصویر ۵. وجود امامزاده در مرکز محله لویزان و پدیداری مسیرهای آیینی و آرامستان در ارتباط با آن، مأخذ: نگارندگان.

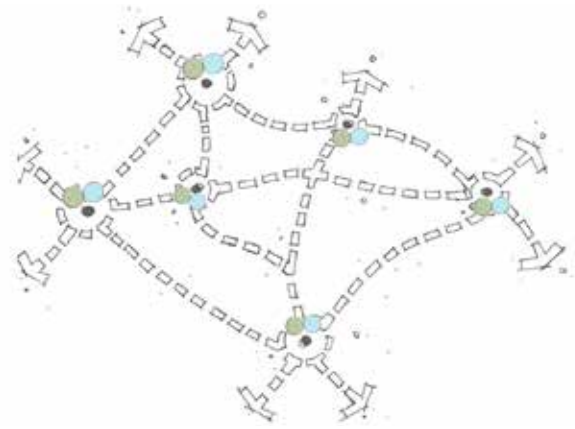


تصویر ۶. منظر آیینی امامزاده معصوم در مرکز محله هفت‌چنار و سقاخانه آن به عنوان فضای آیینی مکمل در مقیاس خرد، مأخذ: نگارندگان. برگرفته از زندگی، ۱۳۹۴.

و مراسم‌های آیینی در بستری طبیعت‌گرا، به بخشی لاینفک از حافظه تاریخی و حیات جمعی شهر تبدیل شده‌اند. در نتیجه این اثرگذاری دوسویه کالبدی و ذهنی متداوم در طول زمان که در ارتباط مستقیم با حیات اجتماعی ساکنان است، هویت بسیاری از

ساکنین از محله‌شان را شکل می‌دهند (تصویر ۵). مناظر آیینی این سطح شامل امامزادگان و عناصر آیینی خردمقیاس نظیر حسینیه‌ها، تکایا و سقاخانه‌ها می‌شود؛ هرچند که این عناصر آیینی خرد مقیاس به‌نوبه خود بوجدآورنده مرکز محلات نیستند اما می‌توانند به‌عنوان عنصری مکمل، نقاط شاخص و نشانه‌ای یک محله را شکل دهند و سبب تقویت تجربه حس معنوی و هویت اجتماعی ساکنین محله شوند (تصویر ۶).

هم‌چنین به‌عنوان نمونه‌ای از نحوه تأثیر این مناظر بر هویت اجتماعی و مشخصه‌های فرهنگی ساکنان یک محله، در فضای اکثر مناظر آیینی و زیارتی شاهد وجود آرامستان‌هایی هستیم، که نگاه به مسائل بنیادی چون مرگ را تغییر می‌دهند، به مناظر آرامستانی مقبولیت بخشیده و از جنبه‌های غیرمتعارف حضور این فضاها در محلات مسکونی می‌کاهند.



تصویر ۴. الگوی شماتیک شبکه نقاط عطف آیینی (مرکز محلات آیینی) در باغ‌شهر نطنز، مأخذ: نگارندگان.

نتیجه‌گیری

مناظر آیینی با بهره‌مندی از الگوی کالبدی طبیعت‌گرایانه و ماهیتی اجتماعی، همواره نقش مهمی در هویت‌بخشی به منظر شهرهای ایرانی داشته‌اند. با تعدد یافتن و مردمی شدن مناظر آیینی در دوره اسلامی، بخشی از ادراک ذهنی شهروندان از شهر در قالب تداوم الگوی شکلی مشترک این مناظر در سطوح مختلفی از سازمان فضایی شهر شکل گرفته است. برهم‌نهی تأثیر اندیشه‌ها و آیین‌های جمعی اسلام و اندیشه‌های طبیعت‌گرایانه دوره‌های پیشین در این مناظر، کیفیات مثبت محیطی و رفتاری برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را فراهم آورده و بر حیات اجتماعی ساکنان تأثیر گذاشته است. می‌توان چنین گفت که مناظر آیینی به‌عنوان حاصل عمل ارادی شهروندان در بازتاب اندیشه‌ها و باورهایشان، از الگوی کالبدی مشترک و جایگاه مشخصی در سازمان فضایی شهر برخوردار شده‌اند و سپس به واسطه برگزاری رویدادهای جمعی

- دانشپور، سیدعبدالهادی. (۱۳۸۳). درآمدی بر مفهوم و کارکرد هویت محیط انسان ساخت، باغ نظر، ۱(۱): ۵۹-۷۰.
- رضوانی، علیرضا. (۱۳۸۴). در جستجوی هویت شهری مشهد، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- زندی، مرجانه. (۱۳۹۴). نقش باغ درون شهری در شکل‌گیری قرارگاه‌های رفتاری، نمونه موردی: شهر تهران. *مجله باغ نظر*، ۲(۳۳): ۱۱۷-۱۲۸.
- سلطانی، لیلا. (۱۳۸۸). نقش نشانه‌ها در مدیریت منظر شهری، *مجله منظر*، ۱(۳): ۷۴-۷۵.
- علیزاده، کتایون. نجیب کازرکار، نسرين. صارمی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی مداخلات کالبدی صورت گرفته در بافت قدیم مشهد. *فصلنامه فقه و تاریخ تمدن*، (۴۴): ۱۱-۴۳.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نی.
- قصابیان، محمدرضا. (۱۳۷۷). *تاریخ مشهد*، مشهد: انصار.
- کلانتری خلیل‌آباد، حسین؛ مبینی، حسین و حقی، مهدی. (۱۳۹۳). میزان انطباق ساختار اصلی شهر مشهد با تصویر ذهنی زائران، *فصلنامه شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۱۷: ۳۵-۴۳.
- متولی حقیقی، یوسف. ۱۳۹۲، *تاریخ معاصر مشهد*، پژوهشی پیرامون تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، مشهد: انتشارات مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۸۶). دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام، *مجله باغ نظر*، ۲(۷): ۴۹-۶۰.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۸۹). *زیبایی‌شناسی ایرانی*. نشست تخصصی زیباسازی و منظر شهری، سازمان زیباسازی شهر تهران.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۹۲). منظر آیینی. *مجله منظر*، ۵(۲۴): ۵.
- نجیب، نسرين و همکاران. (۱۳۹۴). بررسی سیر تحول ویژگی‌های کالبدی معماری و شهرسازی بافت قدیم مشهد، در دوران تیموری و صفوی، *فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن*، (۴۴): ۴۵-۱۱.

شهرهای ایرانی متأثر از مناظر آیینی شکل گرفته است. میزان و نحوه این اثرگذاری تأثیری مستقیم بر شکل‌گیری سازمان فضایی شهر و به تبع آن حیات اجتماعی و ذهنیت شهروندان از شهر دارد که گاه با قرارگیری در مرکز شهر هویت و موجودیت آن را به طور کامل در سیطره خود قرار می‌دهند و گاه به شیوه‌ای تکثرگرایانه با قرارگیری در مرکز کل‌های کوچک‌تر علاوه بر هویت‌بخشی به محلات، هویت شهر را به صورت شبکه‌ای متشکل از مناظر مشابه تعریف می‌کنند. در شرایط امروزی که بسیاری از شهرهای ایرانی با بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی مواجه شده‌اند، با بازخوانی نقش فراموش شده مناظر آیینی و توجه به آنها به عنوان فضاهای جمعی و مردمی، می‌توان گامی بزرگ در جهت حل بخشی از این بحران‌ها و بازتعریف هویت شهر ایرانی برداشت.

فهرست منابع

- ابن بطوطه. (۱۳۶۱). *سفرنامه*، ت: محمد علی موحد، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۸۸). *تداوم هویت در منظر شهری*، *فصلنامه باغ نظر*، ۶(۱۲): ۴۵-۵۶.
- اصطخری، ابواسحاق. (۱۳۶۸). *مسالك و ممالک*، تصحیح: ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
- اعتمادالسلطنه (صنیع الدوله)، محمدحسن خان. (۱۳۶۲). *مطلع الشمس*، تهران: فرهنگسرا.
- پیربابایی، محمدتقی و سجادزاده، حسن. (۱۳۹۰). *تعلق جمعی به مکان*، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، *فصلنامه باغ نظر*، ۸(۱۶): ۱۷-۲۸.
- جوادی، شهره. (۱۳۹۲). بازخوانی روایت باستانی «آب و درخت» در دوران اسلامی ایران، *فصلنامه هنر و تمدن شرق*، ۱(۱): ۴۳-۵۰.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ابرقویی فرد، حمیده، صابونچی، پرچهر و فرزین، احمدعلی. ۱۳۹۷. بازخوانی نقش مناظر آیینی در هویت‌بخشی به شهرهای ایرانی. *باغ نظر*، ۱۵ (۶۵): ۱۲-۵.



DOI: 10.22034/bagh.2018.74072

URL: http://www.bagh-sj.com/article_74072.html